



بررسی زمینه سیاسی همگرایی ایران و عراق (۲۰۲۴-۲۰۰۳)

محمد هادی نیکوکار

کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده

به طور کلی با توجه به ریشه های مشترک فرهنگ و مبانی هویت مشترک ایران با ملت عراق، زمینه های همکاری مشترک دو کشور را در طی دهه های گذشته و نیز سال های بعد از ۲۰۰۳ فراهم نموده است. پس از فروپاشی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ در جریان حمله نیروهای آمریکا و متحدانش، شیعیان که به عنوان اصلی ترین گروه اپوزیسیون در این کشور بودند، با موقعیت ویژه ای مواجه شدند. مشارکت در روند بازسازی نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی جدید، امکان نقش آفرینی هر چه بیشتر شیعیان در عراق را فراهم کرد. از یک سو ایران هم به عنوان بزرگترین و اصلی ترین نظام سیاسی شیعی در جهان اسلام و همچنین با توجه به مبانی مشترک هویت و فرهنگ بین مردم دو کشور، باعث همکاری و همگرایی بیش از پیش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تا به امروز شده است. هدف از این پژوهش آشنایی و شناخت همگرایی سیاسی صورت گرفته بین دو کشور در طی این سال ها و کمک به بهتر شدن روابط بین دو کشور است. از این رو بررسی مهمترین نقش همگرایی و همکاری در زمینه ی سیاسی کشور عراق با جمهوری اسلامی ایران توسط روش توصیفی-تحلیلی، از رسالت های این پژوهش است.

واژگان کلیدی: ایران، عراق، همگرایی، سیاسی

مقدمه

پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ این کشور شاهد تغییر و تحولات عمیق در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی گردید. سرنگونی رژیم بعث در عراق و بروز تحولات جدید که منجر به تغییر ماهیت و ویژگی های جدید در ساختار قدرت و سیاست عراق گردید را می توان نقطه عطفی در روابط ایران و عراق معرفی کرد.

عراق کشوری است که برای ایران به لحاظ افزایش مراودات سیاسی و اقتصادی اهمیت ویژه ای دارد. فرهنگ اسلامی دو کشور و نفت آن ها از اولویت های ارتباطی ایران و عراق است و تاکید بر اشتراکات و زمینه های فرصت سازی در کنار چالش های موجود، معیار برقراری و تحکیم روابط این دو کشور شده است. اهمیت عراق جدید در حوزه دیپلماسی ایران و شکل گیری یک سری متغیرها مانند ورود و تقویت عنصر شیعی در ساختار قدرت حکومت عراق، حکومت عراق را از یک دشمن استراتژیک به یک دوست و همکار منطقه ای تبدیل کرد. تعامل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با جهان عرب، ورود قدرت های فرامنطقه ای در معادلات خاورمیانه از طریق اشغال عراق، رقابت های پنهان و آشکار در میدان عراق امروز و منافع مشترک، همه از عواملی هستند که اهمیت عراق جدید را برای ایران دوچندان کرده است. ایران الگوی تجربی خود را که همان عراق با ثبات به همراه استقرار دموکراسی بومی با خاصیت های ملی و مذهبی این دو کشور است دنبال می کند و معتقد است تا خروج کامل نیروهای خارجی و حق تعیین سرنوشت عراق به دست عراقی ها انجام نپذیرد، عراق با موانع و چالش های بی شماری روبه رو خواهد بود.

سیاست خارجی ایران برخاسته از اصول و مبانی ثابتی است که با توجه به مقتضیات و شرایط جهانی و در راستای منافع ملی اتخاذ می شود. فرق بین مداخله در امور کشوری با تامین منافع مشروع در روابط بین الملل کشور ها بسیار آشکار است. سرنگونی رژیم بعث زمینه حضور شیعیان و خروج از انزوای آنها را فراهم کرد. تعدادی از رهبران و فعالان مخالف دیکتاتوری صدام که در ایران زندگی میکردند به کشورشان بازگشتند تا در حق تعیین سرنوشت خود دخیل باشند. طبیعی است که به دلیل سابقه همبستگی های فرهنگی و سیاسی با شیعیان عراق، اولویت نگاه جمهوری اسلامی ایران، تقویت یک حکومت شیعی محور باشد. مولفه مهم دیگر وجود منافع مشترک میان دو ملت است. ایران و عراق هر دو به دنبال ایجاد ثبات، امنیت و شکوفایی و سازندگی در عراق هستند. سیاست جمهوری اسلامی ایران در حمایت و کمک به عراقی است که با ثبات، امن، مستقل و آزاد، دارای تمامیت ارضی محفوظ و حاکمیت مستقل ملی و به دور از حضور نیروهای بیگانه باشد. چنین عراقی میتواند هم برای مردم عراق، هم برای روابط دو کشور و هم برای همکاری های منطقه ای موثر باشد. عراق همسایه ای در غرب کشورمان، همجوار پنج استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در بین همسایگان مرزی طولانی ترین مرز مشترک را با ایران دارد. این کشور در سال های اخیر با تحکیم روابط سیاسی - اقتصادی تهران - بغداد به یکی از بزرگترین مقصدهای صادرات غیر نفتی ایران تبدیل شده است.

صادرات غیرنفتی، گرچه بعنوان سیاستی راهبردی در توسعه همه جانبه، همواره در برنامه های اقتصادی دولت های مختلف مطرح می شد، اما در اجرا با ناکامی هایی مواجه بود. تا اینکه تحریم های اقتصادی آمریکا برضد ایران در سال های اخیر فرصتی را که صاحبان کسب و کارها و فعالان تجاری مدت ها به دنبال آن بودند، فراهم آورد.

اکنون تولیدات صنعتگران، کشاورزان، دستاوردهای متخصصان، مهندسان و دست ساخته های هنرمندان ایرانی انگیزه های بیشتری برای راهیابی به بازارهای جهانی یافته اند که کشور عراق یکی از این کشورهاست. هدف بیان ظرفیت های همکاری اقتصادی ایران و عراق و موانع احتمالی موجود برسر راه پیشرفت روابط است.

آمارها می گویند بر اساس آمارهای منتشر شده توسط گمرک، تجارت کالایی ایران و عراق (صادرات غیرنفتی) طی ۱۰ ماهه نخست سال ۱۳۹۹ حدود ۶.۵ میلیارد دلار بوده است. این درحالیست که اگر برآورد صادرات بهمن و اسفند همین سال به آن افزوده شود این میزان به حدود ۷ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار می رسد. و بالاخره با احتساب صادرات خدمات فنی مهندسی، انرژی و گردشگری، حجم کلی صادرات ایران به این همسایه غربی در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۰ میلیارد دلار ارزیابی شده است.

ارزش صادرات ایران به عراق در یک دهه گذشته گرچه از نوساناتی برخوردار بوده، اما همواره تراز تجاری آن مثبت بوده است.

در هیچ کشوری آثار تمدن و فرهنگ ایرانی، خواه در روزگاری که آن را ایران باستان می نامند و خواه از عصر اسلامی، به اندازه آنچه در عراق دیده می شود، وجود ندارد و آثار تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی در همه جای این کشور دیده می شود. وجود پیوند و ریشه های تاریخی میان دو کشور ایران و عراق، بر سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور تأثیر شایان توجهی دارد، زیرا ریشه های تاریخی مشترک و وجود آثار تمدنی، فرهنگی - اجتماعی ایران در عراق، مردم این کشور و مسئولین آن ها را به مردم ایران نزدیک می کند. داشتن پیشینه مشترک تاریخی و مشترکات فرهنگی، زمینه های تأثیرپذیری مردم و مسئولین عراق را نسبت به خواسته های ایران افزایش می دهد.

در کل میتوان گفت از میان همسایگان عرب در منطقه خلیج فارس، بی تردید کشور عراق به دلیل دارا بودن ویژگی های خاص سیاسی و فرهنگی، برای منافع ملی ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. چگونگی تنظیم روابط با کشور عراق همواره یکی از چالش های اصلی سیاست خارجی ایران بوده است. سقوط رژیم بعث، چالش ها و فرصت های جدیدی در روابط دوجانبه ایران و عراق به همراه آورده است. علیرغم وجود رقابت های منطقه ای دو کشور، می توان به نوعی پیوستگی فرهنگی برخورد که در نهایت، این مشترکات به نوعی زمینه ساز گسترش همکاری های دوجانبه ایران و عراق می گردد. ایران و عراق جدید می توانند روابط خود را از مرحله استمرار تعارضات و تفکرات مبتنی بر بی اعتمادی و تهدید خارج کرده و به سوی رقابت سازنده و همکاری در چارچوب منافع مشترک هدایت کنند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که دو کشور اگرچه در سطوح مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پیوندهای استراتژیکی دارند، اما به لحاظ ملاحظات زیربنای سیاسی، اقتصادی و نظامی دو کشور رقیب محسوب می شوند و این رقابت همواره مانع از پیوندهای مستحکم در عرصه های مختلف گردیده است.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش های توصیفی و تحلیلی بهره گرفته می شود، به گونه ای که سعی شده اکثر پدیده های موجود مورد مطالعه قرار گیرند. محدوده توصیفات در تحقیق شامل اطلاعات پایه ای، فعالیت ها، رفتار ها و تغییرات موجود می باشند. لازم به ذکر است که پیش از شروع تحقیق مطالعه گذشته و پیشینه موضوع مورد نظر انجام شده است. در ابتدای تحقیق هم مروری بر تاریخ و گذشته روابط ایران و عراق آورده شده است.

کیفیت تحقیق شامل این موارد است :

- محدوده کار به روشنی مشخص شده است.
- مراحل کار به وضوح تشریح شده بطوریکه توسط سایر محققین قابل بازبینی است.
- داده ها به اندازه کافی تجزیه و تحلیل شده اند.
- یافته ها به صورت غیر مبهم نمایش داده شده و نتایج با شواهد کافی توضیح داده شده است.

فرآیند تحقیق:

- انتخاب موضوع
- یافتن مساله
- مطالعه پیشینه تحقیق
- مشخص کردن گزاره های تحقیق
- مشخص کردن متغیر ها
- پیشنهاد مدل برای مساله
- تعیین جامعه مورد بررسی
- گردآوری داده ها به منظور تست کردن یا معتبر سازی مدل پیشنهادی
- تجزیه تحلیل داده ها



- اصلاح مدل پیشنهادی بر اساس داده های مشاهده شده.

- تفسیر و نتیجه گیری

راه های انتخاب موضوع:

- مطالعه در زمینه رشته و گرایش تحصیلی

- شرکت در نشست ها و همایش ها و آگاهی از مقالات ارائه شده در آنها

- مراجعه به سازمان ها و مراکز پژوهشی

- مشاوره با افراد متخصص و صاحب نظر

معیارهای انتخاب موضوع:

- مرتبط با رشته و گرایش تحصیلی

- تازگی و بدیع بودن

- وجود امکانات تحقیق

- انگیزه و علاقه

روش یافتن مساله تحقیق:

- شناخت موضوع انتخابی

- شناخت و انتخاب حوزه موضوع کلی

- مطالعه نظریه ها و تحقیقات پیشین در زیر حوزه انتخابی

هدف از مطالعه پیشینه تحقیق:

- آشنایی با تحقیقات انجام شده قبلی

- اجتناب از دوباره کاری و تحقیق تکراری

- آشنایی با روش های انجام تحقیقات

- تعریف و محدود سازی مساله

گامهای عملی برای گرد آوری اطلاعات:

- شناسایی و تهیه فهرستی از منابع

- اولویت بندی منابع

- مطالعه منابع

- یادداشت برداری اطلاعات

- دسته بندی یادداشتهای

شناسایی منابع:

- مشورت با اساتید و صاحب نظران

- مراجعه به کتابخانه های بزرگ و معتبر

- مراجعه به مجلات و نشریات تخصصی

- مراجعه به پایان نامه ها

- بهره گیری از ارجاعات تحقیقات مشابه

- جستجو در اینترنت

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

به صورت توصیفی-تحلیلی، برگرفته از منابع کتابخانه ای، استفاده از اسناد، کتب و مقالات می باشد.



یافته ها

نقش احزاب و گروه های شیعه در عراق

حزب الدعوه

حزب الدعوه الاسلاميه مهمترين حزب اسلامي عراق طی نیم قرن اخیر است. این حزب در سال ۱۹۵۷ با گرایشی انقلابی و اصلاحی توسط علامه سید مرتضی عسکری و شاگردان و پیروان محمدباقر صدر تأسیس شد. (ادیبی، ۱۳۸۷)

حزبی که بسیاری از ویژگی هایش را از انقلاب بزرگ عراق در سال ۱۹۲۰ به رهبری علمای حوزه نجف اشرف به ارث برده است (شاهان، ۱۳۸۷) هم زمان با گسترش و ظهور جریانات کمونیستی و مارکسیستی در عراق، علما و روحانیان برجسته شیعه به ویژه آیت اله صدر در جهت احیای نهادهای دینی به مقابله با آنان برخاستند. آیت اله صدر با نگارش کتاب «فلسفتنا» و «اقتصادنا» عملاً به مقابله با گروههای چپگرا پرداخت؛ و زمینه را برای پایه گذاری حزبی تحت عنوان «حزب الدعوه» فراهم کرد. واژه «دعوه» در مفهوم مذهبی به معنای دعوت بشر به ایمان آوردن به دین مبین اسلام، اما این کلمه در مفهوم سیاسی، دعوت مردم به اتخاذ آرمان اسلام در زندگی اجتماعی- سیاسی است. (صدر، ۱۳۶۲)

همزمان با روی کار آمدن حزب بعث در عراق، حزب الدعوه تاکتیک و استراتژی خود - تبلیغ آموزه های اسلام و احیای نهادهای دینی- را تغییر داد. و با اتخاذ یک رویکرد انقلابی به تحکیم جایگاه خود در میان اقشار مختلف مردم در شهرهای مذهبی عراق پرداخت. مسئله ای که با حساسیت و نگرانی بعثی ها و به ویژه صدام حسین که داعیه رهبری عراق قدرتمند را داشت، مواجه شد. در زمانی که صدام با شیوه های سرکوبگرانه، جو سنگین رعب و وحشت در عراق به راه انداخته بود و با سیاستهای غیرمذهبی دولت را به شکل ضد اسلامی درآورد بسیاری از شیعیان در قالب حامیان حزب الدعوه علیه وی جبهه گرفتند (دکمجیان، ۱۳۷۷) همچنین آیت اله صدر فتوایی صادر کرد که در آن حزب بعث به «شرک و الحاد» متهم شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تشدید اقدامات رژیم بعث علیه رهبران این حزب، بسیاری از پیروان آن به ایران مهاجرت کرده و مبارزات خود را در خارج از عراق ادامه دادند (مؤسسه بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳)

در مورد ارتباط و همگرایی حزب الدعوه با جمهوری اسلامی باید اشاره کرد که همواره میان علما و روحانیان ایران و عراق ارتباط هایی وجود داشت که حلقه واسط آن، به موقعیت جغرافیایی عراق در همسایگی ایران، قرار گرفتن حرم امامان معصوم (ع) در این کشور و همچنین مراودات علمی و فقهی میان حوزه نجف و قم برمیگردد. اما به طور مشخص حضور امام خمینی (ره) در عراق و اهتمام ایشان به تدریس و تدوین فقه سیاسی شیعه، موجب گردآمدن بسیاری از رهبران حزب الدعوه به دور ایشان شد. از آن جمله سید محمدباقر صدر، رهبر وقت جنبش عراق که مؤسس اصلی حزب الدعوه هم بود در درس ایشان شرکت داشت و بسیاری از افکار انقلابی امام توسط ایشان به شیعیان عراق از جمله اعضای حزب الدعوه انتقال پیدا کرد (مؤسسه بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳) همین تأثیرات امام خمینی (ره) و پیروزی جمهوری اسلامی ایران بود که باعث شد قیام ۱۳ رجب به عنوان اولین قیام مردمی شیعیان عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رخ دهد. (غفاری، ۱۳۹۱)

پس از انتخابات سال ۲۰۰۵ و نخست وزیری نوری مالکی ارتباط میان جمهوری اسلامی و حزب الدعوه مثبت تر و مستمرتر شد. به طوری که ایران در چارچوب سیاست حکیمانه خویش اولین کشوری بود که دولت جدید عراق را به رسمیت شناخت و در جهت پیشرفت روند سیاسی این کشور به ویژه تدوین قانون اساسی و ایجاد نهادهای مدنی و تثبیت امنیت در عراق نقش فعالی ایفا کرد. همچنین، در بین کشورهای همسایه بیشترین کمکها و حمایتهای مالی و امنیتی از مردم عراق را تأمین کرد و بازسازی برخی از شهرها و مناطق آن را بر عهده گرفت. در مقابل دولت نوری مالکی نیز در جهت تقویت همگرایی با ایران اقداماتی همچون اخراج گروهکهای منافق ایرانی از پادگان اشرف، همسو با ایران به ضرورت خروج نیروهای آمریکایی و حمایت از ایران بر سر مناقشه سوریه و حمایت از بشار اسد انجام دادند. ایشان همچنین بارها به ایران سفر داشته اند و همواره در برابر موضعگیریهای آمریکایی ها بر ضد ایران به دفاع از ایران پرداخته و ایران را برادر و حامی عراق معرفی کرده است. به عنوان مثال نوری مالکی در برابر اتهام هایی که مبنی



بر کمک های جمهوری اسلامی ایران به شبه نظامیان جیش المهدی برای گسترش بی ثباتی و نا امنی در عراق مطرح شد از جمهوری اسلامی ایران دفاع کرد و همواره ایران را مدافع امنیت در عراق دانست نه عامل نا امنی و اغتشاش در این کشور (اخبار شیعیان: ۱۳۸۷) در این زمان ارتباط جمهوری اسلامی ایران و دولت شیعی عراق به حدی خوب بوده که در دسامبر ۲۰۰۵ وزیر خارجه ی عربستان سعودی در سفری به آمریکا از نگرانی دولت متبوعش در مورد آن چیزی که وی آن را «تحويل عراق به ایران» در نتیجه حمله ی آمریکا به این کشور نامید، سخن راند.

(Ehteshami and Zweiri, 2007)

پس از نوری المالکی جانشین وی یعنی حیدر العبادی نیز از حزب الدعوه به نخست وزیری انتخاب شد. روند برکناری مالکی و به قدرت رسیدن حیدر العبادی حاصل همگرایی میان ایران و مرجعیت بیدار (آیت اله سیستانی) بوده است. ارتباط حیدر العبادی با جمهوری اسلامی به مانند نوری المالکی نیست بلکه وی از سیاست چندجانبه گرایی در عراق پیروی میکند و در کنار ارتباط با ایران، پیوندهایی را با کشورهای همسایه چون ترکیه، عربستان، اردن، امارات، قطر و ... برقرار کرده است به عبارت دیگر وی به دنبال جا انداختن یک گفتمان عراقی از طریق توافق و گفتگو میان همه بازیگران داخلی و خارجی صحنه سیاسی عراق است. در مورد زمینه های همگرایی میان حزب الدعوه و جمهوری اسلامی میتوان به نقش آفرینی ایران در ایجاد وحدت و انسجام میان رهبران اصلی حزب اشاره کرد؛ از آنجایی که میان اعضای حزب الدعوه چه در زمینه رهبری سیاسی و چه در زمینه رهبری دینی اختلافاتی وجود دارد. جمهوری اسلامی می بایست در جهت وحدت میان آنها اقدام کند.

از دیگر زمینه های همگرایی و سرمایه گذاری جمهوری اسلامی در حزب الدعوه، تأکید بر حفظ رویه اسلامی و حرکت در مسیر اصول اسلام برای نقش آفرینی بیشتر در تحولات عراق است. این حزب همان گونه که از نام آن پیداست؛ تا قبل از سقوط رژیم بعث رسالت خود را دعوت به مبارزه بر اساس آرمانها و موازین اسلام قرار داده بود. اما هم اکنون از بسیاری از اصول سابق خود فاصله گرفته و بر مفاهیمی چون آزادی، قانون، مشارکت سیاسی و مشروعیت نظام و حکومت در خارج از تعالیم اسلام تأکید میکند.

مجلس اعلا اسلامی عراق

در میان احزاب و گروه های سیاسی عراق، مجلس اعلا اسلامی بیشترین همکاری و نزدیکی را با ایران دارد. پس اعدام آیت اله سید محمدباقر صدر و روحانیان دیگر و آغاز جنگ ایران و عراق، شمار زیادی از روحانیان عراقی به همراه بسیاری از طرفدارانشان رهسپار ایران شدند. آیت اله سید محمدباقر حکیم از جمله روحانیانی بود که به ایران مهاجرت کردند. آیت اله حکیم و دیگر رهبران روحانی و غیرروحانی، برای هماهنگ کردن فعالیت های گروه های شیعی که در آن زمان به طور چشمگیری افزایش یافته بودند، در سال ۱۹۸۲ در تهران و با پشتیبانی حکومت ایران، «مجلس اعلا انقلاب اسلامی عراق» را تشکیل دادند (فولر، ۱۳۸۴) این مجلس باهدف ایجاد همگرایی و وحدت در میان گروه های معارض عراقی علیه رژیم بعثی، تدوین استراتژی فعالیت های معارضان و حل مشکلات آوارگان عراقی فعالیت خود را آغاز کرد.

مجلس اعلا دارای مهمترین سازمان سیاسی شبه نظامی مخالف صدام در قالب سپاه بدر بود. این سازمان پس از سرنگونی رژیم بعث نقش مهمی در تأمین امنیت و امور انتظامی در مناطقی که دارای نفوذ بود، برعهده گرفت. اعضای ارشد سپاه بدر هم اکنون در ساختارهای نظامی و انتظامی جدید عراق نیز فعال هستند و از حمایت و پشتیبانی مرجعیت نیز برخوردار است. این سازمان همچنین همزمان با ظهور داعش و گروههای سنی افراطی در سال ۲۰۱۴ در عراق، بیکار ننشسته و در آزادسازی شهرهای اشغال شده و دفاع از حریم معصومین، فعال بوده است.

مجلس اعلا انقلاب اسلامی عراق در دوره پس از صدام نام خود را به مجلس اعلا اسلامی عراق تغییر داد. درباره نقش مجلس اعلا در فرآیند دولت سازی، باید گفت که مهمترین محور فعالیت مجلس اعلا در قبال شکل گیری ساختار دولت آینده عراق، کمک به فروپاشی نظام حکومتی سنی محور و تشکیل نظام سیاسی شیعه محور است. در عین حال درصدد رفع نگرانی دولت های عربی در زمینه نقش و جایگاه شیعیان در دولت عراق است (دهشیار، ۱۳۸۲) این حزب رابطه نزدیک خود را با ایران و تعامل مشروط خود با آمریکا را در راستای سیاست های راهبردی تعیینی خویش به پیش میبرد. رهبران مجلس اعلا بیشترین کوشش خود را برای هماهنگی



با مراجع تقلید به ویژه آیت اله سید علی سیستانی انجام میدهد و سید عبدالعزیز حکیم تماسهای منظمی را با مرجعیت به عمل می آورد. (Faleh, ۲۰۰۳)

مجلس اعلا همواره از پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده و دارای دفاتر و نمایندگی هایی در شهرهای مختلف ایران است. ارتباط نزدیک بین مجلس اعلا و جمهوری اسلامی ایران به حدی بود که طی جنگ تحمیلی رزمندگان سپاه بدر شاخه نظامی مجلس اعلا در عملیات های ایران علیه عراق شرکت کردند (غفاری، ۱۳۹۱) به طور کلی نگاه گروه های شیعی به ایران در جهت کسب حمایت تا حدی تحت تأثیر میزان رابطه این گروه ها با ایران و همچنین شدت و وسعت حلقه های ارتباطی بین دو طرف قرار دارد. مجلس اعلا اسلامی دارای گرایش بیشتری نسبت به ایران است و ارتباط آن با مقامات ایرانی نیز قویتر است. این گرایش تا حد زیادی به این واقعیت مربوط می شود که همان طور که ذکر شد اکثر رهبران مجلس اعلا سال های تبعید خود را در ایران سپری کردند و در طول سالهای جنگ ایران و عراق نیز در کنار مردم ایران بودند. (Katzman, 2006)

یکی دیگر از مسائلی که در مقطع کنونی دیدگاه بسیار مثبت مجلس اعلا را نسبت به جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد مواضع رهبر فعلی حزب (سید عمار حکیم) درباره جمهوری اسلامی ایران است. سید عمار حکیم همواره در سخنان خود ارتباط با ایران را بسیار مهمتر از ارتباط با کشورهای عربی شمرده اند. ایشان گفته اند: ما مخالف دیدگاه فاصله گرفتن عراق از جمهوری اسلامی ایران برای نزدیکی به کشورهای عربی هستیم وی ارتباط مجلس اعلا با جمهوری اسلامی ایران را نیز بسیار نزدیک و برادرانه معرفی کرده اند. (حیدر خانی، ۱۳۸۹)

در نتیجه باید گفت که رهبران مجلس اعلا اگر چه در ابتدای ورود به عراق بنا به مصلحت شیعیان از ایده حکومت اسلامی که مطابق میل جمهوری اسلامی ایران بود دست کشیدند اما ارتباط آنها با ایران هرگز کم نشد و در این مدت همواره با جمهوری اسلامی ایران ارتباطات بسیار نزدیکی را داشته اند و از سیاستهای ایران حمایت کرده اند. در مورد زمینه های مهم همگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و مجلس اعلا میتوان به تقویت بنیه نظامی و تجهیز سپاه بدر برای مقابله با تهدیدات احتمالی (داعش) اشاره کرد. با توجه به اینکه عراق تا برقراری امنیت کامل و ثبات سیاسی راه زیادی دارد از این رو سپاه بدر دارای نقش مهمی در مقابله با گروه های سنی افراطی است.

با توجه به حضور طولانی مدت اعضای مجلس اعلا در ایران و آشنایی کامل آنها با محیط سیاسی و اجتماعی ایران، این حزب می تواند به نوعی مفسر سیاست های جمهوری اسلامی در عراق باشد. بدین گونه که در میان دیگر گروه های شیعی بر حسن نیت سیاستهای ایران در مورد آینده عراق تأکید کند. این امر به ویژه در میان پیروان صدر می تواند مورد اهمیت قرار بگیرد. از سوی دیگر رهبران مجلس برخلاف اوایل انقلاب ایران و در زمان رژیم پهلوی به گونه ای ملموس از رویه و روحیه انقلابی خود فاصله گرفته و در برخی حوادث و تحولات (تسخیر پارلمان عراق توسط پیروان صدر) موضعی منفعل اتخاذ کردند. این امر می تواند در شرایط فعلی عراق به ضرر مجلس اعلا تمام شود.

حوزه آیت الله سید علی حسینی سیستانی

پس از فوت آیت اله خویی، آیت اله سیستانی زمام مرجعیت حوزه علمیه را به دست گرفتند و خیلی زود به چهره بانفوذ حوزه های علمیه شیعه در این کشور تبدیل شدند. در واقع، آیت اله سیستانی به تعبیری هم اکنون رهبری مسلم دینی شیعیان عراق و در کنار مراجع ایرانی از مراجع مطرح جهان تشیع است؛ چرا که افزون بر عراق، پاکستان، افغانستان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، شیعیانی هم در اروپا، آمریکا و ایران از وی تقلید می کنند. آیت اله سیستانی طی یک دهه اخیر، به گفته بسیاری از تحلیلگران عراقی، شیوه های مؤثر از نقش آفرینی روحانیت شیعه در شرایط پرتلاطم و حساس عراق در پیش گرفته است که مدیریت "بحران نجف" در سال ۲۰۰۴ نمونه ای از آن است. (الخطاف، ۲۰۰۷)

شیوه ای که سرفصل آن را شاید بتوان "تقدم سکوت و مسالمت فعالانه بر تحرک و خصومت منفعلانه" دانست. فاصله حساب شده ای که او از نهادهای قدرت، چه محلی و کشوری و چه منطقه ای و بین المللی، اتخاذ کرده است، وی را در مقامی مشابه مقام سلفش،



میرزای شیرازی، برای پاسخگویی به نیازهای جامعه موکل خود قرار داده است. این جایگاهی است که تبعات بهره گیری از آن در این موقعیت، به هر کیفیت که باشد، بی شک به بحران های فعلی محدود نمی ماند و در آینده جامعه شیعی عراق نیز تأثیرگذار خواهد بود.

آیت اله سیستانی در مدت حاکمیت رژیم بعث ضمن عدم ارتباط با جهان خارج، در جهت حفظ و نگهداری حوزه علمیه، دست به اقدامی که سبب تجاوز رژیم بعث به حوزه علمیه شود نزد، و به عقیده ایشان، این رفتار بود که سبب شد تا حوزه علمیه نجف حفظ شود (الخفاف، ۲۰۰۷). رویکرد حوزه نجف به مرجعیت آیت اله سیستانی، در دوران رژیم صدام تقیه بوده است چراکه در این دوران، سکوت مؤثرترین شیوه زنده ماندن و حفظ ذخایر انسانی حوزه بود. پس از حمله آمریکا و سقوط رژیم صدام، آیت اله سیستانی ضمن مخالفت با اشغال عراق و عدم مصالحه با اشغالگران بر برگزاری هرچه سریعتر انتخابات آزاد تأکید میکرد. در مقابل آمریکا به بهانه اینکه شرایط برای انجام انتخابات فراهم نشده است مانع از برگزاری انتخابات می شد. در این زمان تظاهرات صد هزار نفری با خواست انتخابات همگانی در ژانویه ۲۰۰۴ در بغداد برگزار شد که بسیاری از سنی ها نیز در آن شرکت داشتند. این تظاهرات قدرتمندی مرجعیت برای تحمیل خواسته خود به آمریکایی ها محسوب شد (تلاشان، ۱۳۸۹) از سوی دیگر، دیدگاه مرجعیت دینی شیعه در نجف نیز بسیار حائز اهمیت است. نظر آیت اله سیستانی در مورد رابطه دین و سیاست در عراق مبتنی بر این است که هیچ قانونی مغایر با اصول اسلامی نباید به تصویب برسد. و در مقابل معتقد به عدم دخالت مرجعیت دینی در امور اجرایی و جزئی است (الخفاف، ۲۰۰۷) از همین رو آیت اله همچنان به استراتژی سنتی خود در مورد ضرورت عدم دخالت در امور مردم عراق پایبند است و با توجه به بافت چندگانه قومی و مذهبی این کشور، صرفاً در امور کلان، آن هم در سطح ارشادی نظر داده و از دخالت در جزئیات تحولات سیاسی و روندهای اداری این کشور پرهیز می کند. بدین ترتیب، این رویکرد موقعیت نهاد مرجعیت را در مرتبه بالایی از قداست قرار داده است. (موسوی، ۱۳۸۹)

آیت اله سیستانی در تغییر نخست وزیر عراق (نوری المالکی) و انتصاب نخست وزیر جدید نیز نقشی مهم ایفا کرد. او در یازدهم رمضان ۲۰۱۴ در نامه ای به اعضای رهبری حزب الدعوة عراق که نوری المالکی رهبری آن را بر عهده داشت نوشت: با توجه به شرایط بحرانی موجود در عراق و ضرورت تعامل با بحران های گریبانگیر آن با دیدگاه متفاوت تر از آنچه در کشور جاری است من ضروری می بینم که در جهت انتخاب نخست وزیر جدیدی که از موافقت و اجماع ملی برخوردار باشد و بتواند با رهبران سیاسی و دیگر گروه ها، کشور را از تهدیدهای تروریستی و جنگهای طوایفی و تقسیم نجات دهد تسریع شود.

در پی ظهور داعش، سقوط موصل و پیشروی نیروهای داعش به سمت بغداد و کربلا، این مرجع تقلید شیعه فتوا جهاد صادر نمود. برای دفاع از شیعیان خواسته تا «سلاح بردارند و با پیکارجویان افراطی مبارزه کنند». سخنگوی وی اعلام کرده است که «شهروندانی که قادر به حمل اسلحه هستند، وظیفه دارند که در دفاع از کشور و مردم خود و اماکن مقدس، به نیروهای امنیتی کشور بپیوندند» در پی این فتوا و نام نویسی تعداد زیادی از مردم، نیروهای بسیج مردمی عراق (به عربی حشدالشعبی) تشکیل شد. این نیروها نقش حیاتی در بازپسگیری شهرهای اشغال شده عراق مانند الرمادی و تکریت از سلطه داعش داشته اند.

آیت اله سیستانی به جهت جایگاه والای دینی، سیاسی، اجتماعی و علمی بسیار مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است و در همین راستا مسئولین رده بالای نظام همواره در خلال دیدارهای خود با طرفهای عراقی، به دیدار این مرجع عالیقدر هم میروند. میزان همگرایی آیت اله سیستانی با جمهوری اسلامی در سطح مطلوبی قرار دارد و همواره از سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان و همچنین نقش برجسته آیت اله خامنه ای در تدوین این سیاستها حمایت کرده است. به طوریکه در جریان حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام ضمن محکوم کردن این اقدام، همسو با مواضع جمهوری اسلامی بر خروج اشغالگران از عراق تأکید داشتند. ایشان گر چه در ایران حضور ندارند اما این فاصله مانع از آن نشده که نسبت به تحولات ایران بی اعتنا بوده باشند و مرتباً و از زبان خودشان نقل شده است که پیگیر اخبار و وقایع ایران هستند. برای نمونه میتوان به دیدار آیت اله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۸۷ اشاره کرد که در این دیدار آیت اله سیستانی ضمن ارشاد و نصیحت آیت اله رفسنجانی به ایشان توصیه کرد که نسبت به رهبری تبعیت بیشتری داشته باشند.



با توجه به نقش آیت اله سیستانی در جهت دهی به تحولات عراق و همچنین شخصیت مدبر و جامع شرایط وی جمهوری اسلامی می بایست در جهت تجمع فعالیتها و اهداف همه احزاب و گروه های شیعه در راستای مواضع ایشان تلاش کند. این امر موجب تقویت انسجام و وحدت میان احزاب و گروه های شیعه می شود و به تبع آن مواضع شیعیان را در سطح بالاتری نسبت به دیگر بازیگران سیاست در عراق قرار میدهد. البته ذکر این نکته مهم است که هرچند مشی آیت اله سیستانی در عرصه سیاسی مبتنی بر عدم دخالت است اما در شرایط کنونی که عراق با بحرانهای مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... مواجه است سکوت و عدم مشارکت آیت اله سیستانی در برخی زمینه نمی تواند به نفع ملت و دولت عراق باشد؛ زیرا که این استراتژی و خط فکری مخصوص دوران صلح و ثبات است نه وضعیت فعلی عراق. به همین جهت جمهوری اسلامی باید خواستار نقش آفرینی بیشتر آیت اله سیستانی در روند تحولات عراق باشد.

همچنین آیت اله سیستانی به جهت رویه رفتاری مصالحه جویانه و مواضع مردم سالارانه همواره مورد توجه احزاب و گروه های مختلف با هر گرایش اندیشه ای، قومی، مذهبی است و همه گروه ها بر حسن نیت مواضع و توصیه های ایشان آگاه هستند. همین عامل می تواند زمینه ساز حوزه جدیدی در همگرایی میان ایران و حوزه نجف باشد به این معنا که آیت اله سیستانی و پیروان ایشان در عراق میتوانند پل ارتباطی جمهوری اسلامی با احزاب و گروههای سنی، مسیحی، کرد، ترکمن، ایزدی و ... باشد. و همچنین این عامل می تواند مانع تجزیه عراق شود.

حوزه آیت اله صدر

جریان صدر به رهبری مقتدی صدر، در حال حاضر یکی از مهمترین جریان های حوزوی در صحنه سیاسی عراق است. که در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی عراق حضور فعالی دارد. تاریخچه شکل گیری این جریان به دوران حاکمیت رژیم بعث و اقدامات آیت اله محمد صدر (پسرعموی آیت اله محمدباقر صدر) علیه این رژیم برمی گردد. آیت اله صدر به دیدگاه حکومتی شیعه و دخالت مستقیم و آشکار در سیاست نگاه ویژه ای داشت. از مهمترین مواضع و اقدامات سیاسی و مذهبی ایشان میتوان به احیای سنت نماز جمعه در عراق، ایجاد دادگاه اسلامی در برابر دادگاه دولتی که به جای قانون مصوب دولت بر پایه حکم شرع عمل میکرد انتشار مجله الهدی که در آن مواضع سیاسی اجتماعی و مذهبی خود را اعلام می کرد.

آیت اله صدر همچنین از حامیان نظام جمهوری اسلامی ایران بود و بر وحدت اسلامی بسیار تأکید داشت. وی نسبت به امام خمینی (ره) احترام خاصی قائل بود و درباره آیت اله خامنه ای نیز چنین نظر داشت: «دولت ایران، دولت ولی فقیه و آیت اله خامنه ای ولی امر مسلمانان است» (اسدی، ۱۹۹۹). صراحت ایشان در انجام همین اقدامات و مواضع بود که رژیم بعث درصدد حذف و ترور ایشان برآمد. از این رو در سال ۱۹۹۹ توسط نیروهای امنیتی رژیم بعث در شهر نجف به شهادت رسید. با شهادت آیت اله صدر ریاست حوزه به دست فرزند جوان او، مقتدی صدر افتاد.

پس از حمله نظامی آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام، مقتدی صدر با اقدامات گسترده مؤسسات خیریه و دفاتر پدرش در شهرهای مختلف عراق را دوباره فعال ساخت و اشخاص مهم و تأثیرگذاری همچون شیخ محمد یعقوبی را که مقلد آیت اله محمد صدر بودند را سازماندهی و اطراف خود جمع کرد. سپس با تدوین مرام نامه ای که در آن بر لزوم تشکیل حکومتی بر اساس احکام اسلامی و اقامه حدود شرعی برای آینده عراق تأکید شده بود، وارد صحنه سیاسی و اجتماعی این کشور شد (پشنگ، ۱۳۸۹). در این زمان مقتدی صدر ضمن محکوم کردن اشغال عراق، برای مقابله با نیروهای آمریکایی، سازمانی نظامی را در تابستان ۲۰۰۳ تحت عنوان جیش المهدی تأسیس کرد و هدف آن را حمایت و پشتیبانی از شیعیان عراق و نهادهای و ساختارهای مذهبی شیعیان (حوزه علمیه و اماکن مقدس) اعلام کرد. در همین راستا درگیری هایی نیز با نیروهای اشغالگر آمریکایی در نجف به وجود آمده بود.

جریان صدر تا سال ۲۰۰۵ با اتخاذ استراتژی بر هم زدن نظم آمریکایی در عراق از مشارکت سیاسی خودداری می کرد و درگیری با اشغالگران را ترجیح میداد ولی بعد از این مقطع، استراتژی گروه صدر از تحریم روند سیاسی به مشارکت تغییر کرد و مورد توجه بخشی از جامعه شیعه عراق قرار گرفت. تا اینکه در جریان انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۵ در قالب ائتلاف عراق یکپارچه توانست حدود ۳۳ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد. در انتخابات شوراهای استانی سال ۲۰۰۹ در قالب فهرستی جداگانه مشارکت نمود



و توانست ۴۱ کرسی از مجموع ۴۶۰ کرسی شوراهای استانی را به دست آورد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ در قالب ائتلاف ملی عراق مشارکت کردند و توانستند ۴۰ کرسی پارلمان را به دست آورند.

جریان صدر نسبت به سایر جریان های شیعی در محیط سیاسی عراق از روایت و قرائت خاصی تبعیت می کند. تأکید بسیار این جریان بر عنصر عربیت و هویت عربی در مبارزات سیاسی عراق سبب ایجاد اختلاف هایی با مرجعیت اعلای نجف که عموماً اصلیت غیرعربی دارند شده است. درآمیختگی شعارهای مذهبی با مباحث قومی و نژادی برای بسیاری از جوانان شیعه عراقی جذاب و لذتبخش بوده است و همین امر سبب اقبال جوانان به این سازمان شده است. مقتدی صدر سالهای بین ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ حضور خود در صحنه تحولات سیاسی عراق را کاهش داد و برای تکمیل تحصیلات فقهی خود در حوزه علمیه قم وارد ایران شد. وی در مورد علل کناره گیری اش از فضای سیاسی عراق یکی وصیت پدرش مبنی بر ادامه تحصیلات دینی، عدم آزادسازی عراق و همچنین عدم اجرای دستورات وی از جانب اعضای جناح صدر اعلام کرد. (اخبار شیعیان عراق، ۱۳۸۸)

پس از تظاهرات و تحصن سنی های وابسته به حزب بعث در غرب عراق بر ضد دولت مرکزی مالکی در سال ۲۰۱۳ و در ادامه، ظهور افراط گرایان داعش و سقوط شهر موصل در سال ۲۰۱۴، مقتدی صدر در کنار فتوای آیت اله سیستانی، اعلان جهاد داده و به دفاع از «اماکن مقدس» و «شیعیان» اقدام نمود. این جریان با داشتن نیروهای «سرایا الاسلام» به مبارزه با داعش پرداخت اما از طرف دیگر نسبت به تحولات سیاسی نیز غافل نبوده به این صورت که جنبش صدر به رهبری مقتدی خواستار تشکیل دولتی تکنوکرات (فن مدار) به ریاست حیدر العبادی، کنار گذاشتن گرایشات مذهبی و قومی در تصمیم گیری های سیاسی و همچنین عدم دخالت کشورهای خارجی به ویژه ایران در امور داخلی عراق شده است. از همین رو طرفداران این گروه بارها با برگزاری اجتماعات گسترده، خواستار اجرای این اصلاحات در دولت عراق شده اند که در تازه ترین این اقدامات با تسخیر پارلمان عراق سعی در تحت فشار قرار دادن پارلمان و اعمال اصلاحات حیدر العبادی شده اند.

روابط جریان صدر با جمهوری اسلامی در طی دهه گذشته دارای نوسان های بسیاری بوده است. عمده ترین دلیل آن می تواند تأکیدی باشد که این جریان بر مبارزه در داخل عراق برای سرنگونی رژیم بعث داشت. و از این رو روابط آن با جمهوری اسلامی کمتر از دیگر جریان ها بوده است. حضور مقتدی صدر در ایران در سال ۲۰۰۷ برای تکمیل تحصیلات حوزوی خود باعث شد تا آمریکا، موجی از اتهامات را علیه ایران درباره قاچاق سلاح به جنبش صدر مطرح کند و ایران را عامل درگیری های داخلی عراق بداند. برای همین آنها سعی کردند با بهره گیری از احساسات مردم عراق، افکار عمومی این کشور را علیه ارتش المهدی بسیج کنند. آنها دلیل خود را برای اثبات ادعایشان ارتباط نزدیک مقتدی صدر با جمهوری اسلامی ایران دانستند (عبدالله پور، ۱۳۸۵) اما در مقابل این اتهامات مقامات دولت نوری مالکی این سخن ها را رد کرده و آن را دیدگاه دولت عراق ندانستند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸) نوری مالکی هیچگاه از اتهامات علیه ایران حمایت نکرده و همواره ایران را مدافع امنیت در عراق دانسته نه عامل ناامنی و اغتشاش در این کشور. نوری مالکی مدعی شد که پس از توقیف مجموعه عظیمی از سلاح های ارتش المهدی در داخل و اطراف کربلا مشخص شده است که منشأ هیچ کدام از این سلاح ها ایرانی نیست و همین خود نشان از عدم حمایت ایران از جیش المهدی برای ایجاد جنگ داخلی در عراق می دهد (اخبار شیعیان، ۱۳۸۷) علاوه بر اظهارات نوری مالکی و عدم ایرانی بودن سلاح های ارتش المهدی می توان به شواهد دیگری اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران خواهان ناامنی و جنگ داخلی در عراق نیست. برای مثال در جریان جنگ دوم بین جنبش صدر با دولت عراق و ارتش آمریکا، این ایران بود که باعث پایان یافتن این جنگ شد. روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز بعد از برقراری صلح میان طرفین در گزارشی نوشت: ایرانی ها با حمایت از دولت عراق، پس از سفر هیأتی از اعضای شیعه پارلمان عراق به تهران، به پایان دادن به این بن بست کمک کردند (اخبار شیعیان، ۱۳۸۷). صدریون از یکسو عدم مداخله ایران در امور و امنیت عراق را خواهان هستند و بر خروج نیروهای ایرانی از عراق و محکوم کردن مجلس اعلا و حزب الدعوه به دلیل همکاری با ایران تأکید دارند و از سوی دیگر، به رغم تصورات اولیه در خصوص رقابت نجف و قم، روحانیان ارشد دو حوزه علمیه صادقانه و با صمیمیت نسبت به یکدیگر رفتار می کنند. (Naser, ۲۰۰۶)

در مورد زمینه های مهم برای همگرایی میان جریان صدر و جمهوری اسلامی می توان اشاره کرد که جریان صدر هر چند با جمهوری



اسلامی در برخی زمینه ها اختلاف دارد اما اشتراکاتی هم وجود دارد که سیاستگذاران جمهوری اسلامی می تواند بر روی آن سرمایه گذاری کنند. مبانی فکری این جریان مبنی بر ضرورت نقش آفرینی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی و رویه انقلابی جریان با آرمانها و اهداف جمهوری اسلامی هم راستا است. این امر می تواند یکی از عوامل مهم برای جمهوری اسلامی جهت تقویت این جریان باشد. در همین راستا و با توجه به روابط نزدیک سید حسن نصراله با رهبری این جریان و مشی انقلابی آن، جمهوری اسلامی می تواند در جهت تشکیل سازمان حزب الله عراق نیز تلاش کند. البته به جهت ساختار جمعیتی و قومیتی عراق و شباهت آن با لبنان تأسیس چنین سازمانی دور از انتظار نیست.

از آنجایی که پیروان مقتدی صدر را بیشتر اقشار مستضعف تشکیل می دهند از دیگر اقداماتی که جمهوری اسلامی در جهت نزدیکی با این جریان می تواند انجام دهد می توان به خدمات مالی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی به پیروان این جریان اشاره کرد. جمهوری اسلامی همچنین باید سعی کند در زمینه کاهش و برطرف کردن اختلافات میان مقتدی صدر و آیت اله سیستانی تلاش کند.

سپاه بدر

سازمان بدر یا سپاه بدر (به عربی = منظمه بدر یا فلیق بدر) سازمان سیاسی شیعی در عراق با نیروی نظامی تحت رهبری هادی العامری است. حضور در حشد الشعبی و موفقیت در نبرد با داعش، جایگاه سازمان بدر را در سیاست عراق بالا برد. سپاه بدر، در ۱۳۶۴ش از مجاهدین عراقی مهاجر در ایران و با حمایت سپاه پاسداران با هدف مبارزه با حکومت بعث عراق و سقوط صدام تشکیل شد و زیر نظر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به فعالیت پرداخت. شرکت در برخی عملیات های جنگی همراه با نیروهای ایرانی در جنگ ایران و عراق و فعالیت در خاک عراق علیه حزب بعث، عملکرد اصلی این سپاه را تشکیل می داد. پس از سقوط صدام، سازمان بدر با تغییر در اهداف و ساختار در پارلمان و دولت عراق حضور پیدا کرد.

تاریخچه و ساختار سپاه بدر

در جنگ ایران و عراق، پس از فتح خرمشهر (در خرداد ۱۳۶۱ش) و رسیدن نیروهای ایرانی به مرز عراق، سپاه پاسداران تصمیم به تشکیل گردان های مختلف مجاهدین عراقی را گرفت تا در کنار نیروهای ایرانی در جنگ و در داخل عراق علیه حزب بعث فعالیت کنند. اسماعیل دقایقی از طرف محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران، فرماندهی و مسئولیت این کار را به عهده گرفت. در اوایل سال ۱۳۶۴ش/۱۹۸۵م، تیپ ۹ بدر را متشکل از نیروهای معارض عراقی تشکیل داد. اواخر ۱۳۶۵ش این تیپ به لشکر ۹ بدر ارتقاء یافت و زیر نظر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق قرار گرفت. محمدرضا نقدی، از فرماندهان سپاه پاسداران، پس از اسماعیل دقایقی، از اواخر ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ش (اتمام جنگ ایران و عراق) فرماندهی سپاه بدر را به عهده داشت.

عدنان ابراهیم معروف به ابوعلی بصری از ۱۳۶۷ش تا ۱۳۸۰ش، جمال جعفر ملقب به ابومهدی المهندس سال ۱۳۸۱ش و هادی العامری، از سال ۱۳۸۱ش تاکنون رهبری این گروه را به عهده داشته اند. ابومهدی المهندس به همراه سردار قاسم سلیمانی در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ شمسی در یک عملیات تروریستی توسط دولت امریکا به شهادت رسیدند. (تابناک، ۱۴۰۰)

ساختار کنونی سپاه بدر

دبیرکل (الامانه العامة)، بالاترین مقام سازمان بدر که اکنون هادی العامری آن را در اختیار دارد. دفتر سیاسی (المكتب السياسي)، ریاست این دفتر در اختیار دبیرکل سازمان است. سازمان جوانان و طلاب، سازمان کمک های بشردوستانه، سازمان فرهنگ و مطبوعات، سازمان ورزش و جوانان و همچنین سازمان اقتصادی از واحدهای این دفتر است. شاخه نظامی (الجنح العسکری): سپاه بدر شاخه نظامی سازمان بدر است که در حشد الشعبی نیز حضور و فعالیت دارد. (تابناک، ۱۴۰۰)



فعالیت‌های سپاه بدر

عملکرد سپاه بدر را می‌توان به سه بخش زمان جنگ ایران و عراق، دوران حکومت صدام پس از جنگ و پس از سقوط صدام تقسیم کرد.

بخش اول: شرکت در جنگ ایران و عراق

جهاد و مقابله با صدام و حزب بعث، هدف محوری و اصلی معارضین عراقی بود. به اعتقاد العامری، فرمانده سپاه بدر فتوای سید محمدباقر صدر، در ۱۹۷۸م برای لزوم مبارزه مسلحانه علیه رژیم صدام حسین، نقطه شروع اندیشه تشکیل فعالیت‌های نظامی مانند سپاه بدر شد. او همراهی با نیروهای ایرانی توسط سپاه بدر در جنگ علیه نیروهای عراقی را در این راستا می‌داند. نیروهای سپاه بدر در چند عملیات جنگی علیه نیروهای صدام شرکت کردند. عملیات بدر (اسفند ۱۳۶۳ش)، اولین عملیات این تیپ بود. عملیات‌های کربلای ۲، کربلای ۴، قدس ۴ از دیگر عملیات‌های این سپاه بود. پس از عملیات فتح یک که توسط نیروهای سپاه (قرارگاه رمضان) و اتحادیه میهنی کردستان عراق در نزدیکی کرکوک انجام شد، لشکر بدر فعالیت خود را به داخل عراق، در مناطق آزادشده توسط اتحادیه میهنی کردستان منتقل کرد. (تابناک، ۱۴۰۰)

بخش دوم: دوران حکومت صدام پس از جنگ ایران و عراق

پس از پایان جنگ ایران و عراق، سپاه بدر به فعالیت خود در خاک عراق ادامه داد. در این زمان مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق به ریاست محمدباقر حکیم همچنان بر این سپاه نظارت و نفوذ داشت. از فعالیت‌های عمده این سپاه حمایت و شرکت در قیام مردمی انتفاضه شعبانیه بود. پس از شروع این قیام، بخشی از کادرهای مجلس اعلاای انقلاب عراق و نیروهای لشکر بدر در مناطق مختلف عراق به خصوص در شهرهای بصره، عماره، دیالی و کوت مستقر شدند. در شمال عراق و در استان سلیمانیه، افراد لشکر بدر با همکاری جلال طالبانی، رییس اتحادیه میهنی کردستان، تیپ المصطفی را تشکیل دادند که از هزار و ۵۰۰ نیرو تشکیل می‌شد؛ ولی با سرکوب این قیام توسط صدام، لشکر بدر افراد بسیاری را از دست داد. سپاه بدر در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ش، چهار بار کاخ ریاست جمهوری صدام را مورد حمله قرار داد و در عملیات سقوط صدام (۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م) هم‌زمان با حمله امریکا و متحدینش از جنوب عراق، در دیاله شهری در مرز ایران، حمله‌ای را شروع کرد. (تابناک، ۱۴۰۰)

بخش سوم: پس از سقوط صدام

پس از سقوط صدام، حضور و مشارکت در ساختار سیاسی عراق به هدف اصلی سازمان بدر تبدیل شد و به جهت عدم نیاز به فعالیت نظامی، سپاه بدر فعالیت‌های سیاسی و مدنی را در پیش گرفت. محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در زمان جنگ آمادگی مجاهدین عراقی برای فعالیت مستقلانه و بدون کمک ایران را (به خصوص در دوران پس از سقوط صدام) از اهداف اصلی تشکیل سپاه بدر می‌دانست.

فعالیت‌های سپاه بدر پس از سقوط صدام

تبدیل به سازمان بدر و ورود در ساختار نیروهای نظامی عراق: پس از عملیات سقوط صدام در ۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م، مجلس اعلاای اسلامی عراق، سپاه بدر را به سازمان بازسازی و توسعه بدر تغییر داد. محمدباقر حکیم، رییس وقت مجلس اعلاای اعلام کرد که وظیفه نظامی این سپاه با سقوط صدام تمام شده است؛ البته او به برخی فشارها از طرف امریکا برای انحلال و خلع سلاح سپاه بدر نیز اشاره کرد. هم‌زمان در پی دستور پل برمر حاکم آمریکایی عراق برای خلع سلاح تمام سازمان‌های مسلح و ادغام آن‌ها در سازمان امنیت و وزارت دفاع عراق، بیشتر نیروهای سازمان بدر نیز وارد نهادهای انتظامی و امنیتی عراق شده و این سازمان به یکی از شبکه‌های غیر رسمی در نهادهای امنیتی عراق تبدیل شد. تعداد نیروهای سازمان بدر حدود ۱۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

جدایی از مجلس اعلاای اسلامی عراق: در اسفند ۱۳۹۰ش/مارس ۲۰۱۲م سازمان بدر از مجلس اعلاای اسلامی عراق جدا شد و به صورت



سازمان سیاسی و نظامی مستقل، فعالیت خود را ادامه داد. برخی علت این جدایی را تغییر گرایش‌های سیاسی العامری، دبیرکل بدر و عمار حکیم رهبر وقت مجلس اعلای اسلامی می‌دانند.

شرکت در حشد الشعبی: سپاه بدر گروه اصلی حشد الشعبی علیه داعش است. پس از فرمان نوری مالکی در تشکیل نیروهای بسیج مردمی (حشد الشعبی) و فتوای آیت‌الله سیستانی و مراجع دیگر برای دفاع مسلحانه مردمی از عراق، سپاه بدر، شاخه نظامی سازمان بدر هماهنگ با گروه‌های دیگر در نبرد و آزادسازی مناطقی مانند آمرلی، تکریت، فلوجه، موصل و کرکوک شرکت کرد. از سوی دیگر، چند زیرشاخه حشد الشعبی همچون کتائب حزب الله تحت فرماندهی اعضای سابق سپاه بدر از جمله ابومهدی المهندس قرار گرفت. هم‌چنین بسیاری از یگان‌های حشد الشعبی از فرماندهان این گروه به عنوان مستشاران نظامی استفاده می‌کنند.

مشارکت در روند و ساختار سیاسی عراق: سازمان بدر در آخرین انتخابات پارلمانی عراق (۱۳۹۷ش/۲۰۱۸م)، با رهبری ائتلاف الفتح با بدست آوردن ۴۷ کرسی، رتبه دوم کسب آراء را بدست آورد. در انتخابات ۱۳۸۸ش و ۱۳۹۲ش پارلمانی عراق نیز سازمان بدر توانسته بود نمایندگانی را به پارلمان بفرستد. هادی العامری دبیرکل سازمان بدر، در دولت نوری المالکی، نخست وزیر پیشین عراق، بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ وزیر حمل و نقل عراق بود. در دولت حیدر العبادی محمد سالم الغبان، یکی دیگر از رهبران سازمان بدر، به وزارت کشور عراق منصوب شد. پس از او هم قاسم الاعرجی، عضو دیگر این سازمان به وزارت کشور منصوب شد. (تابناک، ۱۴۰۰)

همگرایی ایران و عراق در مساله داعش

موازنه تهدید و اتحاد راهبردی علیه داعش

پس از سقوط صدام و انتقال قدرت به مردم این کشور، شیعیان به علت آنکه اکثریت مردم عراق را تشکیل می‌دهند، براساس قواعد دموکراسی، قدرت را در این کشور به دست گرفتند. به رغم فراز و فرود فراوان، دولت این کشور به سمت اعمال حاکمیت پیش میرفت تا اینکه نیروهای داعش ناگاه و به سرعت حدود یک سوم از قلمرو عراق را اشغال کردند. درباره نقش عوامل منطقه‌ای، بین المللی و داخلی عراق در پیدایش داعش، پرسشهای بسیار مهمی مطرح میشود، اما موضوعی که مرکز ثقل این مقاله را تشکیل می‌دهد، چرایی و چگونگی همکاری راهبردی ایران و عراق برای مقابله با تهدید داعش است. گرچه طی یک دهه اخیر، تحولات داخلی در عراق که بر امنیت ملی- هویتی ایران تأثیر دارد، مورد توجه سیاستگذاران خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته، اما حضور داعش در عراق، حساسیت و پیچیدگی مسائل عراق را برای جمهوری اسلامی دوچندان نموده است. جنس تهدیداتی که داعش علیه عراق و ایران رقم زده، موجب شکل گیری اتحاد راهبردی آنها شده که با نظریه موازنه تهدید قابل تبیین است.

تشکیل داعش به مثابه ایجاد تهدید مشترک

ریشه‌های شکل گیری داعش به دوره پس از حمله آمریکا به عراق و ورود اعضای القاعده به این کشور بازمی‌گردد. پس از انتقال نیروهای القاعده از افغانستان به عراق، ابومصعب الزرقاوی، رهبری شاخه القاعده در عراق را به عهده گرفت و در سال ۲۰۰۳ گروه «التوحید و الجهاد» را ایجاد کرد. الزرقاوی که گرایشهای ضدشیعی شدیدی داشت نه تنها آمریکایی‌ها، بلکه شیعیان عراق را مورد هدف قرار می‌داد. در دوره وی صدها عملیات تروریستی علیه مردم عراق، به ویژه در شهرهای مقدس این کشور انجام شد. گروه تروریستی التوحید و الجهاد که دارای شعبه‌های هم نام خود در دیگر کشورها از جمله مناطق غربی جمهوری اسلامی بود، رابطه خود با القاعده را حفظ کرد و فرامین اسامه بن لادن و ایمن الظواهري را اجرا میکرد. در سال ۲۰۰۴ گروه تکفیری «القاعده در سرزمین بین النهرین» ایجاد شد که چندان دوام نیاورد. با کشته شدن الزرقاوی در سال ۲۰۰۶، سازمان «دولت اسلامی عراق» جانشین التوحید و الجهاد و القاعده در سرزمین بین النهرین شد. دولت اسلامی عراق و شام (داعش) متشکل از دو سازمان تکفیری دولت اسلامی عراق و جبهه النصره، در ۱۰ آوریل ۲۰۱۲ در سوریه اعلام شد. این سازمان دارای دو رهبر جداگانه یعنی ابوبکر البغدادی به عنوان رئیس بخش دولت اسلامی عراق و محمد الجولانی رئیس جبهه النصره بود. با این وصف این سازمان علیه دولت سوریه اقدامات مشترک تروریستی بسیار زیادی انجام دادند و رهبری جبهه مخالفان بشاراسد را از ارتش آزاد سوریه و دیگر گروه‌های مخالف ربودند. در آوریل ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی در اقدامی



غیرمترقبه جبهه النصره را در دولت اسلامی عراق، ادغام و دولت اسلامی عراق و شام را اعلام کرد. یک روز پس از آن، الجولانی رهبر جبهه النصره با صدور بیانیه ای، الحاق سازمان متبوع خود به داعش را رد کرد. ایدئولوژی القاعده در سال ۱۹۹۸ اعلام شد که بر مبنای آن، یک جبهه اسلامی جهانی ایجاد خواهد شد. القاعده هدف اصلی خود را جهاد علیه آمریکا به عنوان حامی اصلی حاکمان مستبد عربی و پس از آن اسرائیل بود؛ این در حالی است که شاخه عراقی القاعده بیشتر جنبه ضدشیعی داشته است. (Tamimi, 2014)

داعش موفق شد بخش هایی از شمال سوریه را تصرف و تقریباً سراسر استان رقه را تصرف کند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرد و موفق شد کنترل رمادی و فلوجه در عراق را در اختیار گیرد. در سال ۲۰۱۴ داعش با گسترش اقدام نظامی خویش توانست موصل (دومین شهر عراق) را تصرف کند و کنترل بخش زیادی از خاک عراق از جمله تکریت را نیز به دست گرفت. پیش روی داعش تا نزدیکی های بغداد، یکی از شگفتی های راهبردی محسوب میشود. گرچه درگیر شدن داعش با سوریه به عنوان متحد راهبردی ایران نگرانی های زیادی برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده بود، اما ورود داعش به عراق از سال ۲۰۱۴، ورود به فضای حیاتی- هویتی ایران تلقی میشد که نگرانی از تهدید این گروه علیه کشور را افزایش داد.

کارکرد های سیاسی اربعین

اجتماع میلیونی در اربعین حسینی به عنوان یکی از آیین های دینی که به صورت جمعی و توأم با احساس و دارای هدف برگزار می شود، نقش ها، ظرفیت ها، مؤلفه ها و کارکردهای مختلفی دارد و آن را می توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. یکی از این زوایا، بحث نقش ها و کارکردهای سیاسی و اجتماعی اربعین است. اقتدارآفرینی، وحدت و انسجام بخشی از کارکردهای سیاسی، و هویت بخشی و تقویت روح جمعی از مؤلفه ها و کارکردهای اجتماعی است.

الف) اقتدارآفرینی در سایه وحدت: راهپیمایی اربعین موجب اقتدار شیعیان و دیگر مسلمانان در برابر دشمنان به ویژه جریان های تکفیری خصوصاً داعش می شود. بی تردید مهم ترین کارکرد سیاسی اربعین حسینی در مقطع کنونی و با توجه به گسترش گروه های سلفی تکفیری در کشورهای منطقه، بسیج سیاسی شیعیان است که راهپیمایی بیست میلیون نفری اربعین را به مصداق قدرت بسیج جهان اسلام تبدیل کرده است. (حوزه، ۱۳۹۷)

ب) نمایش امنیت عراق: برگزاری راهپیمایی صلح آمیز اربعین، نمایش امنیت عراق و ضربه نمادین همزمان به گروه تروریستی داعش و ایالات متحده آمریکاست که یکی در پی ناامن سازی عراق است و دیگری ایجاد امنیت در عراق را بدون حضور خود ناممکن می داند.

ج) وحدت بخشی به جهان اسلام: عبادات و فرائض، افزون بر جنبه فردی و تأثیری که در دگرگونی روحی، فکری، اخلاقی و رفتاری افراد بر جای می نهند، به نوعی با مسائل اجتماعی و حقوق جمعی نیز در ارتباط اند. اربعین در این میان ازجمله مناسک و آیین های اجتماعی است که به رغم ماهیت درون مذهبی اش، به دلیل فرادینی و فراملیتی بودن قیام عاشورا، ظرفیت های بسیاری را برای زمینه سازی تحقق امت واحد اسلامی دارد.

د) تقویت مناسبات میان ایران و عراق: مراسم شکوهمند اربعین می تواند به ترمیم برخی شکاف های ارتباطی مثل کدورت های ناشی از جنگ میان زائران ایرانی و عراقی و بهبود بیشتر روابط سیاسی این دو کشور مسلمان کمک شایانی داشته باشد. بی تردید تقویت و توسعه مناسبات دو کشور آثار و برکات بسیاری را در پی خواهد داشت و نقش شیعیان در تحولات منطقه ای و بین المللی را بارزتر خواهد کرد.

و) تقویت هویت شیعی: پاسداشت اربعین در میان شیعیان اهل بیت: یکی از برجسته ترین عوامل تقویت هویت شیعی است. از اربعین است که هویت شیعی جان و قالبی تازه می گیرد و با استمداد از نیروی شگرف عاشورا، ظهور پر قدرتی را در عرصه های سیاسی، فرهنگی

و نظامی به نمایش می گذارد. (حوزه، ۱۳۹۷)

چشم انداز روابط ایران و عراق در دوره جدید

دولت سودانی که پس از یک بن بست سیاسی یک ساله در اوایل آبان ماه ۱۴۰۱ نخست وزیری اش مورد تایید مجلس عراق قرار گرفت، از حمایت اکثریت گروه ها و جریانهای سیاسی عراق برخوردار است. سودانی از لحاظ تفکرسیاسی به گروه های شیعی مقاومتی نزدیک است. روی کار آمدن محمد شیاع السودانی به یک سال بن بست سیاسی در کشور عراق خاتمه داد. سودانی به عنوان یک چهره مقبول جریانهای سیاسی عراق که به اعتدال و تفکر و تعقل شهرت دارد، در قالب یک برنامه بلندمدت به دنبال ایجاد ثبات در حوزه سیاست داخلی و عرصه بین المللی است. دولت کنونی عراق یک دولت ائتلافی قوی است که از حمایت نخبگی و عموم مردم برخوردار است. از این رو با تکیه بر وجهه مردمی و رویکرد معتدل و معقولی که دارد می تواند کشور عراق را از وضعیت ناامنی و بی ثباتی پایدار به سمت امنیت پایدار هدایت کند و عوامل موجد نا امنی، بویژه آمریکا و خرده بازیگران متحدش در عراق را به درستی مدیریت کند و مصوبات مجلس را به اجرا بگذارد. (مشرق نیوز، ۱۴۰۱)

وضعیت سیاسی

روابط سیاسی ایران و عراق باوجود تحولات سیاسی داخلی عراق و حکمرانی بی ثباتی و ناامنی های مستمر همواره از یک پایداری نسبی برخوردار بوده است و حتی در دوران دولت الکاظمی نیز این روابط به سطح تیرگی و یا دلخوریهای راهبردی سوق پیدا نکرد. جمهوری اسلامی ایران نیز با عنایت به نگاه منطقی و معقولی که به روابط راهبردی ایران با کشور عراق دارد همواره بر تداوم، توسعه و تحکیم روابط با این کشور تاکید داشته است و درحوزه دیپلماسی و میدان درحمایت از دولت و مردم عراق سنگ تمام گذاشته است و با وجود تحمل به هزینه های فراوان هیچگاه از راهبرد گفتمان مقاومت و همسایه محور در تعامل با بغداد که از نظر ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک برای ایران عدول نکرده است و عراق را بخشی از منظومه مقاومت دانسته که حلقه محوری عمق استراتژیک ایران را تشکیل می دهد.

دفاع و امنیت

ایران و عراق دو کشور با جایگاه راهبردی در عرصه روابط بین الملل هستند که تعامل و هم پیمانی آنها نقش منحصر به فردی در شکل دهی معادلات سیاسی و امنیت آینده در منطقه و حتی در جهان خواهد داشت. از این رو ایران به عنوان بازیگری که بزرگترین نقش تاریخی در حوزه تامین و تضمین امنیت و استقلال عراق در دو دهه گذشته داشته است، درچارچوب نگاه راهبردی هیبریدی که به متحد منطقه ای خود دارد، توافقات نظامی و امنیتی مطمئنی را در حوزه مبارزه با تروریسم، قاچاق موادمخدر و... با عراق به انجام رسانده است و در شرایط مختلف نیز صداقت خود را برای دولت و جامعه عراق به اثبات رسانده است.

مساله باقی مانده میان دو کشور درحوزه امنیتی که درچارچوب توافقات امنیتی و ضدتروریسم می تواند حل و فصل گردد، موضوع حوزه گروهک های تروریستی کُردی مستقر درشمال عراق است که به نظر می رسد با توجه به نگرش و رویکرد معقول دولت جدید عراق این مساله نیز درفضایی منطقی که تامین کننده منافع دوطرف باشد، حل و فصل خواهد شد. در همین راستا دولت سودانی می تواند طرح استقرار یگان هایی از نیروهای ارتش عراق را با هماهنگی نیروهای پیشمرگ کُرد در امتداد ۲۰۰ کیلومتری از مرزهای مشترک با



جمهوری اسلامی ایران، به اجراگذار و این دغدغه مشترک که به عنوان عامل مزاحم و مخل روابط پایدار کشور است را برای بلند مدت برطرف سازد.

بعد امنیتی و نظامی سفر السودانی با توجه به تحولات اخیر در ارتباط با اقلیم کردستان عراق و حملات ایران به مقرهای گروه های تجزیه طلب ضدایرانی در اقلیم از برجستگی بیشتری در رسانه ها برخوردار بود. هماهنگی های دو کشور برای محافظت نیروهای عراقی از مرزهای مشترک جمهوری اسلامی با عراق (با هدف جلوگیری از ورود تجزیه طلبان و براندازان به خاک ایران) به شکل پررنگ تری در فضای مجازی و رسانه ای منعکس شد و رویکرد دیپلماتیک توأم با اقتدار دفاعی ایران در مقابله با سوء استفاده امنیتی از هرگونه خلاء در عراق علیه تمامیت ارضی و امنیت ملی نیز یک پیام بسیار روشن بود که ضرورت و اهمیت ویژه موضوع را به خوبی به طرف عراقی تبیین کرد. توافق نظامی بغداد-اربیل که نیازمند توافق سیاسی نیز هست یک گام رو به جلو برای تعیین تکلیف مساله گروهک های تروریستی کردی مستقر در بخش شمالی کشور عراق است.

شرایط موجود بیش از هر زمان دیگری بسترهای لازم برای انتفاع دو کشور از ظرفیت های یکدیگر را فراهم آورده که باید با حفظ هوشیاری در برابر کید دشمنان، به بهترین شکل از آن استفاده شود. دولت عراق ملتزم است که به هیچ گروهی اجازه ندهد تا از خاک عراق برای اخلاص امنیتی برای طرف دیگری استفاده کند. باید دقت داشت در حال حاضر، عراق به محل چالش های منطقه ای تبدیل شده است و مسئولان عراقی باید به این مسایل و تبعات آن برای کشورهای همسایه از جمله ایران توجه بیشتری داشته باشند.

کشوری که تا این حد چالش امنیتی دارد دچار توسعه نمی شود و مناسباتش با همسایگان دستخوش نوسان خواهد شد. با وجود اینکه دولت جدید عراق رویکرد بسیار سازنده ای در قبال تعمیق روابط جامع و تحقق منافع مشترک دو ملت بزرگ عراق و ایران دارد اما تحقق مقاصد و اهداف دولت جدید عراق در داخل و در تعامل با کشورهای همسایه مستلزم درایت، هوشمندی و اقدامات هدفمند تهران و بغداد است و این مهم نیز منوط به طراحی دقیق از سوی اتاق مشترک اقتصادی، سیاسی و امنیتی دو کشور است.

به بیان دقیق تر؛ اراده همزمان تهران و بغداد بر گسترش روابط دو کشور با توجه به مرز ۱۴۰۰ کیلومتری و علایق تمدنی، فرهنگی و مذهبی مشترک، روابط بین دو کشور در مسیری متفاوت از گذشته است و با توجه به تحولات جاری در سطح منطقه و مرزهای غربی ایران، سفر محمد شیاع السودانی به ایران در یک دوره بسیار حساس و استراتژیک اتفاق افتاد که چند پیامد مهم در پی خواهد داشت.

دیدگاه مشترکی بین ایران و دولت عراق درباره مسأله تروریسم و حضور گروه های تجزیه طلب که زمینه ناامنی در دو کشور را بوجود آورده است و به دلیل استفاده ابزاری رژیم صهیونیستی و آمریکا تبدیل به عامل مخل و بهم زننده روابط دو کشور شده اند، یک فرصت تاریخی برای فیصله دادن به حضور گروه های تروریستی و تجزیه طلب کردی در مرز مشترک عراق با ایران در غرب و شمال غرب ایران است. این فرصت استثنایی در چهاردهه اخیر بی نظیر است. با توجه به مصوبه شورای امنیت ملی عراق جهت استقرار ارتش عراق در طول خطوط مرزی ایران و عراق و ترکیه این اتفاق محقق خواهد شد؛ (مشرق نیوز، ۱۴۰۱)



بحث و نتیجه گیری

عراق جدید دارای ویژگی‌هایی است که نسبت به دوران حاکمیت رژیم بعث تفاوت‌های عمیقی پیدا کرده است. سیاق تحولات جدید و ساختار سیاست و قدرت در این کشور، چالش‌های سیاسی امنیتی متفاوتی را در قبال ایران رفع کرده است. سیر تحولات عراق، نگرش‌ها و رویکردهای متعددی در قالب‌های واقع‌گرایی و ایده آلیستی را در نوع نگاه ایران به حوادث عراق نوین، در میان طیف وسیعی از دانشگاهیان و مسئولان اجرایی به وجود آورده است که نوع نگاه به ساخت جدید عراق و راهبردهای سیاسی امنیتی ایران در قبال تحولات این کشور از جمله از منظر نگاه این رویکردها بوده است. اما آنچه در مجموع درباره تحولات عراق باید کاربستی عملیاتی پیدا کند، پذیرش عراق جدید به عنوان یک واقعیت موجود، با نگاهی عمل‌گرا به صحنه داخلی آن و بازیگران صاحب منفعت و منافع در این کشور است. نوع نگاه درباره منافع رقبای منطقه‌ای و آمریکا در عراق نوین، تحولات شمال عراق، قدرت‌گیری تشیع در ساخت قدرت بغداد پس از صدام، تعیین تکلیف قراردادهای مرزی و سایر عوامل مؤثر، مواردی از واقعیت‌های موجود در روابط دو کشور محسوب می‌شود. بنابراین بایستی در ارتباط با این وضعیت با نگاهی عمل‌گرایانه و تعامل در صحنه عراق، سعی در پیگیری اهداف راهبردی خویش نمود و با بازیگران منطقه‌ای بین‌الملل صحنه‌گردان صفحات سیاسی عراق، تعاملی سازنده و کارا در جهت افزایش منافع ملی و تأمین بهینه امنیت ملی داشت. ایران منافع ملموس و جاری در عراق دارد. برای دستیابی به منافع ملی، ایران نیاز به کار کردن با یک دولت مرکزی باثبات در عراق دارد. بی‌ثباتی در عراق ضمن فراهم کردن هزینه‌های امنیتی زیاد برای ایران، منجر به حضور مداوم بیگانگان در منطقه به بهانه حفظ امنیت منطقه‌ای و نیز جهانی در قالب جنگ علیه تروریسم یا گسترش دموکراسی و ... می‌شود. بنابراین، این امر تعادل طبیعی قوا در منطقه را به ضرر ایران بر هم می‌زند. در این زمینه بی‌تردید اعتماد به نفس کاذب شیخ‌نشینان حوزه خلیج فارس در طرح ادعاهای مربوط به جزایر سه‌گانه ناشی از حضور مستقیم آمریکا در منطقه است. یک عراق امن، باثبات، متعادل و متعامل، ضمن تسریع حل مشکلات به جامانده دو کشور از زمان جنگ، به ایران به عنوان دوست و همکار در ترتیبات امنیتی جدید منطقه می‌نگرد و در نهایت قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را افزایش می‌دهد. پتانسیل‌های موجود در دو کشور از عوامل مهمی است که دولت مردان ایران و عراق را مجبور خواهد ساخت سطح روابط دوجانبه را گسترده کرده و عمق ببخشند. بی‌تردید مانع‌تراشی و هرگونه شیطنت در این روند مشکلات عدیده‌ای را به وجود خواهد آورد که به صلاح دو ملت ایران و عراق، همسایگان و هیچ طرف خارجی نیست و علی‌رغم تبلیغات و تحرکات منفی که برخی طرف‌ها علیه این روابط به انجام می‌رسانند، روابط دو کشور هیچ تهدیدی برای دیگران نخواهد بود؛ به ویژه اینکه تقویت این وضعیت نویدبخش نظام جدید امنیتی در خلیج فارس با ترکیب ایران، عراق و شورای همکاری خلیج فارس است. عزم و اراده مقامات دو کشور نویدبخش توسعه روابط میان ایران و عراق در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی است هرچند ترکیه و عربستان مهمترین رقیب‌های ایران در عراق به شمار می‌روند. اکنون عراق در شرایطی قرار دارد که می‌خواهد در عرصه روابط خارجی با کشورهای مختلف گام‌های جدیدی بردارد و این یکی از اولویت‌های دولت الکاظمی است. در عرصه منطقه‌ای، بسیاری بر تلاش‌های عربستان برای حضور و نفوذ بیشتر در بازار عراق تأکید دارند. همچنین نقش و جایگاهی که ترکیه در زمینه‌های اقتصادی در عراق دارد و تلاش‌های این کشور باهدف تثبیت این وضعیت و عمیق شدن روابط قابل توجه است. بنابراین اگرچه دشمنان و کینه توزان، همواره می‌کوشند با شایعه پراکنی و دروغ بافی، به چشم بدبینی و تهدید به مناسبات ایران و عراق نگاه کنند، اما پیش بینی می‌شود که توسعه روز افزون مناسبات دو جانبه بین این دو کشور دوست، همسایه و مسلمان، به صورت تأثیرگذار بر ثبات و امنیت منطقه‌ای انعکاس یافته و تبدیل به الگویی برای همکاری‌ها و مناسبات در منطقه شود. با توجه به قرابت تاریخی و فرهنگی میان دو ملت، می‌توان گفت که نسبت ایران و عراق فراتر از نسبت بین دو کشور است. نیاز دو کشور به یکدیگر و تأثیری که این دو بر تحولات منطقه دارند و نقشی که می‌توانند در ثبات و صلح منطقه‌ای ایفا کنند، سبب شده است که انتظارات برای توسعه هرچه بیشتر روابط دو کشور بیش از پیش باشد امری که در اظهارات مقامات دو کشور نیز انعکاس یافته است.

منابع



- ادیبی لاریجانی، محمد باقر، ۱۳۸۷، مرزدار مکتب اهل بیت (ع)، سیری در احوال و افکار و آثار مرحوم علامه عسگری (ره)، دانشکده اصول دین، قم
- شاناهان، راجر، ۱۳۸۷، توسعه سیاسی شیعه در عراق، حزب اسلامی الدعوة، ترجمه سید ناصر میری، سامان سیاسی در عراق جدید، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- صدر، محمد باقر، ۱۳۶۲، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی، تهران، برهان
- دکمچیان، هرایر، ۱۳۷۷، جنبش های اسلامی در جهان غرب، ترجمه حمیرا احمدی، کیهان، تهران
- موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، نقش شیعیان در فرآیند دولت سازی در عراق نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه فرهنگی ابرار
- غفاری هاشجین، زاهد وحیدر خانی، هابیل، ۱۳۹۱، [تعامل میان ایران و شیعیان عراق بعد از سقوط صدام]، مجموعه مقالات ژئوپولیتیک شیعه، آبان ماه، تهران
- اخبار، شیعیان، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷، [شیعیان عراق]، قم، ماهنامه تحلیلی و خبری شیعیان جهان، شماره ۲۹ و ۳۱
- فولر، گراهام و فرانکه، رند رحیم، ۱۳۸۴، شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، چاپ اول، ترجمه خدیجه تبریزی، شیعه شناسی، قم
- دهشیار، حسین و دیگران، ۱۳۸۲، مسائل ایران و عراق، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران
- حیدر خانی، هابیل، ۱۳۸۹، [شیعیان عراق با تاکید بر روابط با ایران]، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد
- حامد، الخفاف، ۲۰۰۷، دیدگاه های سیاسی اجتماعی آیت اله سیستانی در مسائل عراق ترجمه محمد جواد رحمتی، تهران، کویر
- تلاشان، حسن، ۱۳۸۹، [دورنمای ژئوپولیتیک شیعه و عراق]، فصلنامه شیعه شناسی، سال هشتم، شماره ۳۱
- موسوی، سید حسن، ۱۳۸۹، [چشم انداز عراق پس از انتخابات پارلمانی]، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژی خاورمیانه
- اسدی، مخطار، ۱۹۹۹، الصدر الثاني، الشاهد و الشهيد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران
- پشنگ، اردشیر، ۱۳۸۹، مقتدی صدر، موافق فدرالیسم در کردستان عراق، تهران
- اخبار، شیعیان، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷، [شیعیان عراق]، قم، ماهنامه تحلیلی و خبری شیعیان جهان، شماره ۲۹ و ۳۱
- عبدالله پور، محمدرضا، ۱۳۸۵، [بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست گذاری های امنیتی ایران در قبال عراق]، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- حاجی یوسفی، امیر محمد، ۱۳۸۸، [هلال شیعی فرصت ها و تهدیدات برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا، دانش سیاسی]، شماره ۱، تابستان

-Faleh Abdul-Jabar (2003), the Shiite Movement in Iraq, London.

-Katzman, Kenneth (2007), "Iran's in Flunce Influence". CRS Report for Congress, June 13.

-Nasr, Vali (2006), "When the Shiites Rise". Foreign Affairs. July/ August - Sefr al-Hawali (1991), Kissinger sPromise and the American Aims in the Gulf, Riyadh: al-Saudia.

-Ehteshami, A. (2007), "The Middle Eeast: Between Ideology and Geo - Politics". In Mary Buckley and Robert Singh, Eds. The Bush Doctrine War on Terrorism, London: Routledge.

-Tamimi, Aymenn (2014), "The Islamic State of Iraq and Al-sham", Middle East Review of International Affairs, Vol. 17 (3).

- سپاه بدر، شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۰، تابناک (www.tabnak.ir)

- کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی، تابستان ۹۵، دوره ۹، شماره ۳۵ (https://hawzah.net/)

- چشم انداز روابط ایران و عراق در دوره جدید، ۲۳ آذر ۱۴۰۱ (www.mashregnews.ir)

A Study in political convergence between Iran and Iraq (2003-2024)

Mohamad Hadi Nikokar

Master's degree in Political Science

1-1-

Abstract - ۲-۱

In general, due to the common roots of culture and the foundations of the common identity of Iran and the Iraqi nation, it has provided the grounds for joint cooperation between the two countries during the past decades and also in the years after 2003. After the collapse of the Baath regime in 2003 during the attack of the American forces and its allies, the Shias, who were the main opposition group in this country, faced a special situation. Participating in the process of rebuilding the political system and drafting the new constitution made it possible for Shias to play a greater role in Iraq. On the one hand, Iran, as the largest and main Shias political system in the Islamic world, and also due to the common foundations of identity and culture between the people of the two countries, has caused more political, economic and social cooperation and convergence until today. The purpose of this research is to know and understand the political convergence between the two countries during these years and help to improve the relations between the two countries. Therefore, the study of the most important role of convergence and cooperation in the political field of Iraq with the Islamic Republic of Iran by descriptive-analytical method is one of the objectives of this study.

Keywords: Iran, Iraq, convergence, political. - ۱-۳